











## لزوم یا عدم لزوم تجدیدنظر در اصول قانون اساسی؟

اقتصاد جمهوری

راوح به سلنه ولایت فقهه، من درینگ مقاله‌ای در حدود شانزده  
صفحه مخوان یادداشتی به جمله حریرگان سلطنه خودنم را نویشم و برای مطبوع  
حریرگان هم قدردانم، ولی آنها هر طبق بدل جو شناسان عمل کردند و اینجا  
که سؤالاتی خواسته شده که ما از این و اینها شناختیم و آن اینکه می‌گویند  
ولایت فقهه حوزه اسلام است، هر کس به این منصب نشانه اسلام  
برآید، این تاکه از اداره‌ای جعلیت دارد و آن این است که در مذهب  
سچه ولایت فقهه هست اما اینکه مطبوعه ولایت فقهه چی هست و شامل چه  
جزوه‌ای می‌شود چه اداره‌ای گشتوش دارد و این تاکه مسئله اختلافی است.

نکالات ریاضی از لحاظ مدلی می‌گند مثلاً در فوچه فناوری اطیور که من

در دیدن ماده‌ای که هرگاه در آن نظر نداشت از این نظر می‌داند که در موضع  
در حکم باشد چنان حکم در موضع خاص نباشد یا معمولی موضع کسی  
که در موضع نظر نداشت، نظر طبق موارن اسلامی مامن است و در این  
الخصوص در معتبر است و سلسله دولت حکمان مسود و در هر حال از میهم  
عاده خوبست منود لاحظه بفرمائید در مقدار این ماده که وقتی می‌گوید  
هرگاه در این نظر نداشت اشخاص خارجی را در موضع خوب ندانند و در موضع خوب  
نضر می‌گویند دارد مطابق این است که انسانهای خوب از نظر خوبی اند و در  
ایران حقوقی نااحجایک ما اطلاع دارم و الان در گفت حقوقی اند  
دیگر این اشخاص حقوقی ما اند نظرم در جو رئیس ماعده اند یا غیر معمولی  
اند، نایه لغت ادی ایش کاری تداریم آنچه مادر فوایندیان داریم در  
کل اینها حقوقی داریم درین می‌دند هم داشته‌جویی ایشان را اینها می‌دانند  
و هم‌دانان آنها خوب نظر نداشت این معدی شد مگن اینست معمولی  
پایان، معنی ایک کی می‌داند و دیگری خارجی زده عده‌ای را زیورهای  
کرد این نظر نداشت و ایک کی بر اثر این مسلطی ای اختلطی این کار را  
کرد ولی معدی در کار سود باریم نظر این معدی این معنی انسانهای خودش نکنون  
نظر اینست در حالکار ایشان را دوست ایشان در مقابل هم فراز  
گرفتند و مددای های ایشان با هم مخلوط شده است اما گر به معنی معاکش که من  
برخ می‌گم بگیرم که بعد از هم این معنی گفته خواهد شد چون در پایان  
ایران ادبیات مایه این سکل است فاضی ماده فایلون، اندیشه اطلاع بدید

اگر قاضی در کاری که میکند ضامن خواهات باشد دیگر  
ستگ روی سنج بند نمی شود  
ز و برو کردن اشخاص را فحاش با اینهمه اشتباہی که در  
دادگستری ممکن است رخ بدهد حیثیت و ارج فحاش را در  
جامه از بن معبرد  
من مطمئنم که بین زلیس چمپیور و شورای رهبری آغاز  
تفاقض است یعنی نطقه تصاد در داخل حکومت جمهوری  
اسلامی بسته شده

گردد. بسوارد بود سلا غرس کنم احتمال برای هر ماسی هست شما همچ  
ماسی ای را نیواید پدا کنک که بتوانید به همه انسان بدهد که در  
طرف ملا ۲۰ سال که قیامت می کند حی عیاده همایوں می کند در کارهایش  
حلقی مکد جون کار زیاد است و کار مکمل است و تمام مسائل انتقامی  
در آنها مبلغ می توان احاطه نمایم و احتجاج ندارد که درین

گفتگویی با دکتر ناصر کاتوزیان

шкаلات فنی قانون اساسی

فایوں ایساں فلی را با آخاٹنکے طالعہ کر دیا جس دارد،  
بھی ار اموں آن فلکتار لھاٹنی ہب دارد و بعینی دیکھ ار سظر  
، خلیراگی کست، اما میونی ک ار سظر فی فایوں چوپیں در آن ایس

از این محدود که ما هستی فلکون اساسی را یاد کرد جایگاه  
مکردم فلکون اساسی خای سان سائل حلقوی است جایی برای  
دست است این مکار لروم شاره حرشات سائل و روابط کار  
رمایانه از ومهور با سائل انتقامی دیگر طور عملی در نایان  
و سان نود داشتن هم این است که خانم دام در حال تحول  
بر است وسی سائل تابع سخنوار احتقانی است و اگر آن حرشات  
دون اساسی بشدید تعبیرش ما آن بوماگی که یاد داشته ساده و هنگام با  
همست برو محدود متد است باید مثلثک مارزوی مکوت و مسری که  
آنند قوانین براز اندسته بادست منع کرده تا عواده نتوکناری  
من مس نیوان فلکون وضع کند اینها است که یاد در طبقه اساسی  
نه نود

بنو مدنی دارم بس آشنا هر روز میگردی این سایه ته و مون  
ما نعمت کند جراحتی و در ماقول آنهاست بگذاریم که دومینه  
سازش نیمهه اگر و فتنی حواسی آنرا نعمت سدهم به  
برخوردم این یک ملطفه میتوان آسانی است.  
یک دادگاه و برآی حفظ حقوق زن این حرامیکه علاوه بر این  
زیر نوشته شده بود. کجا در آن نوشته شده که دادگاه و برآی برآی  
کی این حدود یکم عصی است میگذرد اینکه در طرف این  
به حساب دارد و امساچ به دادگاه و برآی دارد. اتفاقاً دیگر من به  
آن این است که اعلایات شده من کلی میگویم جزئیاتی فی و  
دقت بیرونیت همکر کرد مسائل را شناختی میتوان سان کرد  
در این ماقول آنهاست شده که خاید شان ملت ما و اهللش ما سائنه  
که این مقاله را میگذرد

و پریزون هم وجود دارد که درست دولت است. ماید جلیل به  
بریگی امنیادنامم. اگر فو مجزه که منتخب تاییدگار مردم  
سات معمولی گذشت دارد، باید برای هدایت سات  
و خوبی اتفاق معمولی آن نضم کند. فو تائید که ناشی تصر  
آت باید در تلخیزون گذشت جی. مفه مفه مکوید جی اینها  
کاپی نیست. روی هم نیست امور مجهی است که بسته به خود

فاطمی اساسی مبنای ملی است، آبتد خدام شاد امکان عمومی است  
ندن یک گلور است و در این حوزه وضی اعلام متوجه که دولت  
دارای رعایت ملی را که راه را دارد و ملت متوجه آنده نشود و مقدم  
در این زمان بخصوص شاید درست باشد خدام است  
آنده حمله خداوند مکن است که در فاطمی اساسی حزب روایل ایران  
که از حمله و ظرفانک دولت گرفته اموال مسروقه و سارکاریاند این به  
آن اصلی ایش باشد سل اینکه دامن در کار ما بکوچون غصب باشد اتفاق  
یک جزوی دیگری که بسط مردم مثلاً مسات خارجی که در این مبنای  
اور اساسی است که در فاطمی اساسی دکتر شده سلطان بنیاد اندرا  
کنند به سایت مسروقه و آنده که باین طرز معلن سورای خود  
که دولت و هر قوم که ملاحت داشت شکرند. این سرانه یک خوب  
ست که ایش خارجی را ایران بنا فوار میدهد این مبنای یک  
ست که باید هرچه سختر دوام بداند و هرچه سه مرغاب است  
خدمت فاطمی اساسی کفر شده حرب میخواسته که جزو دایل  
است این است که کی گوشه چهارچوب اصلی حکومت را باید من  
رو اطمینان مرمد و دولت را با احشائیک لازم است  
سب دوست این است که در بعضی از موارد از لحظه ذهنی مسلط  
شده که باز هم غایبانها حرب امور مرتضی بوده و مذهبها مارا دیگار







لزوم يا عدم لزوم تجدید ...

اجرای قانون اساسی

ک تکنای را من موجه بدم و آن این است که هدایت اینها بخوبی  
میگیرم این است که ناتوان انسانی خود را خواهد سود طریق اخراج آنها خلی  
نمیگیرد و این اینست که بود کمالاً پسازنده کرد که بخوبی آنرا خواهد داشت  
با اینکه همانچنانچه بود که بعد از عادت اخراج سود و سود این دو اندیشه همچنانچه  
هم میگیرد اما در اینجا اینست که را دو حفظان میگیرد که همیشی بخوبی  
که از دولطنهای دخانی اینکه کامیابی میگیرد که آنست که میتواند  
میتواند یک ناچور انسانی خوب شکاری را در آنسته میتواند اینست که  
نمیگیرد و این است که ناتوان انسانی که از آدم را همان شکاراول میگیرد میتواند  
در این سهم شکار کائمه شده بسیار سروها شکارهای در دریاها و همچنین  
جوده‌داره که این دو مقداری که میگیرد دوست و میگیرد درست رهبری  
نمیگیرد این دو مقداری که میگیرد این دو مقداری که میگیرد درست رهبری  
نمیگیرد این دو مقداری که میگیرد این دو مقداری که میگیرد درست رهبری  
نمیگیرد این دو مقداری که میگیرد این دو مقداری که میگیرد درست رهبری

آزادی مذاهب

ر اولی الامر است و به مرقومه فرقان کرم اثبات از اولی الامرواح است  
که مسایل اداری امام اطاعت نکند. این راجحه است از این سوکاره ایجاد نماید  
که اندک ایامت همه الرحمه داده و ماجان اطاعت اولی طالعه از این موقود  
بود و لی اطاعت مسایل اداری امام این اصل از این راهه بخواهد این احتجاج  
بد اینچه می شود. اولی الامر است مسایلکوں شان داده اندک حاضر به  
اطافت از اولی الامرواح و می ملت از این می از میانشی پیدا کرده که در عصام  
نهادیت سوری املاک از اطافت امام جرمیجی گشت.  
مسایل ای از این میان می خواهد از این شانه ذکری است برخلاف همه  
حاجاتیه که در میان تصرفی و هضری و برو جایت مدارکه می از این موقود ایجاد نماید  
که این ای از بذکاره ای از این موقود ایجاد نماید و می خواهد این موقوده خواهد  
نحو موقود شاه بود و شما از اخلاف آدمانی شان بالغرس احکام املاک و خانه  
نماید اکنون از ای  
نحو موقود شاه مسایل ای  
دیگر باید مفعلي هم باش ممکنه خانی کردن هایان بد هستم  
گزوهه ای از اطافت خوده ملکه هم

آقای بازرگان آیا میدانید کارنامه دوران  
نخست وزیریتان چیست؟

١٤

نماینده روزهای اول کاروان سنت شد و حان نکته خود را درست کرد  
نهایتی که حالتی این اتفاقات مابود شد و باعده را سلطان برگزید  
ترین حدمدار این اتفاقات مادرکرد و اکثر منی کشیده همراه دیده امامی کرد  
ساخته می شد و سلطان این اتفاقات ملک حکومت کرد جوانان پاک و مردم را  
دوره حدمت سالم و مبارزی از امت مردم کشیده علما و علمائے  
ارابی شهادت اندیش مکرده و شاهزاده در کارهای را بدوی را  
بلوچ و پیشان آشناز است مکرده دیده اندیش مارسینست مردم حاضر  
را به آنها بدهد که مکرده و مراجح ساخته اندیش را می بینند  
و بطریق تأثیری سوق دهد  
→ عذاب ایوان سخاونی شورای اتفاقات افتادند و نهاده بعد دعا را  
تصیم گیری سوآهان اور ادام سورای اخلاق در دولت شد و ایوانی دیگر  
عنصری خودمان را در سخاونی اتفاقات حاره نداشتمان اور کسان که سایر  
علمائی این اتفاقات میگذرند نیز بعده تمام رهبری شدند و میگذرند  
که سخاونی سه میل کردند و درین حال روی کوههای ازین مردمی دولت اسلامی  
تاله دیده راحله کسی ایوانی میگردید. قدرت دولت سخاونی را زیاد نمود که درین سرو  
کلی ایوانی میگردید. این اصل اخلاقی که ملت و ایک با پادشاه میگذرد و آنها را بر ایوان  
هزار و دویست — گندولسلا سخاونی که ساخته امام حسنه میگردید و  
عذاب ایوان ایوانی میگردید. این ایوان میگفت سخاونی میگردید  
از این اتفاقات ایلان را که در ایوان راحت شد و حان روح حاشی است افتادند.  
کاهی بد ایوان ایلان میگفت اللهم سخاونی سرم ایک گنبد دولت بارگزای  
کاری میگردید. و کاهی با حلبلی ایوان حکوم طالعی بخوان ایک گنبد  
روزخانی میگردید که در آن راهه میگردید آورده و درین مردم ایران را که دنگر هست روح حاشی  
درین راه و سلطان را راسخ میگشتند زان مفهوم که دنگر هست روح حاشی بود و درین

470

## در صحنه ای از وقایع

مکتب اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . يُسَبِّحُ اللَّهُ مَا فِي  
الْأَمْوَالِ وَعَمَلِ الْأَرْضِ الْمَلَائِكَةِ الْمُدْفَنِينَ الْعِزَّى  
الْحَكِيمُ ! هُوَ اللَّهُ بَعْثَتْ فِي الْأَمَمِينَ رَسُولًا  
مِّنْهُمْ يَنْذِلُ عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُرَكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكَلَامَ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَعْنَ صَلَالٍ مُبَيِّنٍ ؟  
وَآخَرِينَ مِنْهُمْ مَلَائِكَةً حَمْوَاهُمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ  
ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ بُوْتَهُ مَنْ يَشَاءُ وَلَهُ دُلُوكُ الْعَصْلِ  
الْعَظِيمُ ؛ بِنَامِ خَادِمِ بَحْشَنَدِ مَهْرَبَانِ . يَرْكَمَى أَنْجَدِ  
آهَانَهَا وَآنْجَدِ زَمِينَ اسْتَبْرَى نَصَدِهِ اسْتَآنَ زَمَادَارِ بَرَبَّكَ  
بِيَوْتَهِ بَقْرَتْ وَهَكْتْ ! اوْسَتْ كَنْدَرَهِ مَيَانِ تَوَذِّمَرَمْ كَيِ رَازِمِينَ  
آمَانِ بَرِ سَالَتْ بَرِ كَزِيدِ تَمَجَّدِهِ بَرِ آمَانِ شَانِهِ مَيِ اوْرَادِ آزِدَوِ كَيِ بَهَانَ  
سَانِدَهَا زَانِهِ كَهَكْتَ بَهَمَرَهِ كَهَجَهِ مَيِ زَانِهِ دَكِ كَهَاجِي آنَهَرِي بَهَرِ  
بِهِرَهَهِ ؟ دَنِيزِكَرِهِ دَهِي بَهَرَهَا زَانِهِ كَهَهَنَرَهِ آمَانِ بَهَوَهَهِ آهَوَهَهِ اوْسَتْ كَهَهِ  
كَهَهَهَهِ . كَهَهَهَهَهِ . كَهَهَهَهَهِ . كَهَهَهَهَهِ .

اعظیم <sup>۲</sup> بامحمد و مسیح و مهریون، یعنی ای پادشاهان  
آنها بناهند و زیرین است بموی ضراوند است آن زمام اربیل باک!  
پیوست به درت و حکمت، اوست آنکه در میان قواد مردم کی را از میان  
آنکه بر سالات بگرکنید نایخواه آنکه آن فردای او را دارای اولویت یابد  
ساز و آنرا کی بدهکت سایر زکر چه پیش زان دگر کسی آنکه از  
پیروزند؟ دیگر کرد و ای یکم از آنرا که هنوز بآنان پیوست آنها اوست که  
قدرت مختلط بدمام است<sup>۳</sup> این المحتض او نه است به که خواهد عطا کند  
وضداوند و ای طفیل است بسیزگ ک. سود و محمد.

صحیح: ساگری در آن با فنا  
 العلک: زمادهار، مباحث اختصار، فرماترها  
 اللذوس: سازمانه و باک (صفة مالکه دلالت کنندگان) باکی  
 خداوند: خداوندی یا ک  
 العزیر: سوت باقدرت (صفت منیمه، دلالت کننده بردام) حکت  
 الیهی: هفت بعین قدرت  
 الحکم: بیویه باحکم (صفت منیمه، دلالت کننده بردام)  
 حکت الیهی (حکم: دانایی راسن)  
 هوجه و ههرکه در اسماهای اوروزن است به موسسه ازرسودکمال  
 پرخوردار گردیده و مجموعه جهان در آن تصریح چولات در مرسیوی که  
 خداوندوار اولین فرموده است بهینه مسود و سرویه از این فرمان  
 کلی و ممیت بالله النبی سرمازمه زندگویی کنترین اشکنی در آن ظاهر  
 مسود و بر این حیی سکوان راقم امارویانی است که از هر نظر از  
 صلاحت کمال پرخوردار است.  
 از اینجاک در پرخوردار دفعه دستم صحیح محسن آمد همان  
 بحداد از اینجت در آن مورد خودداری متنکن و به بختی برا مامن بشه  
 بجهی پرخورداریم، العلک اللذوس العزیر الحکم یعنی امن صحیح  
 سرگرگانی حیی سوی آن کمال طبقی است که حکومت مطلقه اولیه  
 کل حیی سلم است لیکن آنچنان رامدادار و مباح احتماری که اریکه  
 حکومت خود را بیکل حیی ناتوجه نمایند اهل سنت ایجاده است:

وست زمانهای که ندوش است و عزم و سریع است و حکم  
از اینها که در زمان خداوند بتوسخ میگردند در مذاقیسی سی کوچک  
پس در روزی رسن سلطان حکومت گزیده است و دادمه ریاستی در  
مری برخورد نماید آن دیدم که این سه نایابه حکومت الهی ماده  
مذکون مورده تحریر و محلل فراگیرد، باشد برای مدعاون حکومت در  
رسن سمعه والکوش گردانند از مذاقیسی سی کوچک ۴ نزد از طبقه خود  
نگارند.





